

دیپلماسی توحید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

اسدالله کرد فیروزجائی* / حمید نگارش**

چکیده

دیپلماسی به معنای فن مذاکره، اصطلاحی است که در سیاست خارجی رایج است و هر نظامی بر اساس ایدئولوژی و ارزش‌های خود آن را شکل می‌دهد. دیپلماسی توحیدی و شریعت‌محور افزون بر رعایت شریعت اسلام، موجب عزت‌افزایی و پیشگیری از جنگ و ایجاد صلح بین کشورها می‌شود. از این جهت پژوهش درباره آن جهت معرفت‌افزایی دارای اهمیت است. مسئله این پژوهش آن است که برخی ممکن است به دلیل نفهمیدن زیرساخت‌های دیپلماسی توحید، نقش ارزش‌های دینی و در رأس آن توحید در دیپلماسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را حداقلی بدانند که بر ایند این نگاه، می‌تواند افزون بر خدشه در ارزش‌های دینی، موجب نفی عزت و کرامت نظام اسلامی شود. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که دیپلماسی توحید چیست و دارای چه مبانی و زیرساخت‌هایی است؟ این مقاله با نگاه اسلامی و روش توصیفی-تحلیلی به

*. استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول)، akf474@yahoo.com.

** . دانشیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، hamid_negarsh@yahoo.com.

تیبین چستی دیپلماسی توحید و مبانی آن پرداخته است و به این نتیجه دست یافت که دیپلماسی توحید فن اداره روابط بین‌الملل بر اساس شریعت مقدس اسلام است که از زیرساخت و مبانی توحید ربوبی شکل یافته باشد و این می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در سیاست خارجی منطبق با شریعت اسلام نگه دارد و از سلطه‌پذیری و عزت‌زدایی نجات دهد و کرامت آن را حفظ کند.

کلیدواژگان: دیپلماسی، توحید، سیاست خارجی، توکل، امام خمینی

مقدمه

یکی از فنون در مسئله سیاست خارجی، دیپلماسی است. دیپلماسی، هنری است که در مذاکرات سیاسی و روابط بین‌الملل و برقراری ارتباط با کشورهای جهان، برای هر نظامی از جمله نظام جمهوری اسلامی دارای اهمیت جدی و قابل توجه است؛ زیرا در عصر حاضر نمی‌توان مرزهای سیاسی کشور را روی کشورهای دیگر بست. از این‌رو، ناگزیر به روابط دیپلماتیک با دیگر کشورها خواهیم بود و نیز نمی‌توان قوانین روابط بین‌الملل را به‌عنوان یک پارادایم نادیده گرفت و از آنها چشم پوشید. بر این اساس می‌توان گفت «دیپلمات‌ها به‌منزله حلقه‌های اتصال در میان دولت‌ها هستند و در حل و فصل بسیاری از موضوعات مورد علاقه طرفین نقش اساسی دارند. آنها با مشاهده و گزارش توسعه اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی کشور میزبان، در واقع همچون چشم و گوش کشورشان خدمت می‌کنند. آنها به‌عنوان مأموران رسمی برقراری ارتباط، هم به‌طور رسمی و هم غیررسمی نماینده و معرف کشورشان هستند و در رفتار شخصی‌شان نمونه و نماد کشورشان محسوب می‌شوند» (پلینو، ۱۳۸۹: ۳۱۹). اما اسلام مدلی از دیپلماسی ارائه کرده که مبتنی بر توحید و ارزش‌های توحیدی است و ممکن است به هر دلیلی یا به دلیل عدم ادراک و فهم دقیق و درست برخی متولیان سیاست خارجی جمهوری اسلامی درباره زیرساخت‌ها و بنیان‌های دیپلماسی توحید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، عملاً دیپلماسی غیرتوحیدی یا سکولار بر آن حاکم باشد. در این صورت این تئوری مطرح می‌شود که دیپلماسی با ایدئولوژی و ارزش‌های دینی و توحیدی ارتباطی ندارد و هریک از آن دو، مقوله‌ای جدای از هم‌اند و شاید در مقابل هم قرار داشته باشند. این نگرش، یعنی عدم توجه به دیپلماسی توحید و شریعت‌محور، می‌تواند پیامدهای منفی فراوان داشته باشد که یکی از مهم‌ترین آنها افول

نقش دین در روابط خارجی و در نتیجه تضییع عزت و ارزش‌های دینی و در رأس آنها خدشه در عملیاتی کردن توحید ربوبی است. خدشه در توحید ربوبی، شرک را در پی خواهد داشت و آن نیز در قرآن کریم، ظلم عظیم شمرده شده است.^۱ از این رو، مقاله حاضر در پی بیان این است که دیپلماسی هر نظامی بر اساس ایدئولوژی و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد و هر نظامی می‌کوشد دیپلمات‌های آن از ارزش‌های آن که خط قرمز آن نظام شمرده می‌شوند نگذرند و حداقل به‌طور نسبی آن را مراعات کنند. به‌عنوان مثال کشورهایی که نظام آنها بر اساس مکتب لیبرال‌دموکراسی بنا نهاده شده است، می‌کوشند دیپلماسی آنها در روابط بین‌الملل بر اساس لیبرال‌دموکراسی شکل بگیرد و هرگز نمی‌توان بر این باور بود که دیپلماسی هر نظام می‌تواند با ارزش‌های حاکم بر آن تقابل داشته باشد. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مدلی از نظام‌ها در میان کشورها و نظام‌های دیگر است که دیپلماسی آن مبتنی بر شریعت اسلامی و مبانی توحیدی است و نادیده گرفتن شریعت و مبانی توحیدی در دیپلماسی ناپذیرفتنی و غیرمنطقی تلقی می‌شود.

مبانی نظری

مفاهیم

برای حصول معنای روشن و مبرهن از عنوان «دیپلماسی توحید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ع)»، لازم است واژگان کلیدی همچون «دیپلماسی» و «توحید» مفهوم‌شناسی شوند.

توحید: واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» و در لغت به معنای «یگانه دانستن» است. ریشه این کلمه «وحد» و به معنای انفراد است و از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می‌شود که جزء ندارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۵۵۱) و در اصطلاح عبارت است از یگانه دانستن و یکتا شمردن خداوند و اینکه خدا هیچ شریک و مثلی ندارد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق

۱. «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان: ۱۳)؛ و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش درحالی که وی او را اندرز می‌داد گفت: ای پسر من، به خدا شرک می‌اور که به‌راستی شرک ستمی بزرگ است.»

الف: ۲۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق ب: ۵۱). مقابل توحید، شرک به خدا قرار دارد و شرک در لغت به معنای مشارکت (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۲۶۶) یا نصیب قرار دادن، و در هم آمیخته شدن دو شریک است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۷۴) و در اصطلاح، شریک و همتا قرار دادن برای خداست و ممکن است در صفات، افعال یا حتی ذات باشد. توحید در اندیشه اسلامی از اهمیت جدی برخوردار است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین محورهای تبلیغ و تعلیم پیامبران الهی بوده است. قرآن کریم آنجا که برنامه تبلیغی پیامبرانی چون نوح، هود، صالح و شعیب علیهم‌السلام را بازگو می‌کند یادآور می‌شود که نخستین پیام آنان به امت‌های خود این بود: «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (اعراف: ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵)؛ خدا را پرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست.» همچنین توحید یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبران الهی نیز بوده است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل: ۳۶)؛ و درحقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید:] خدا را پرستید و از طاغوت (فریبگر) بپرهیزید.» بنابراین، مسئله توحید از مسائلی بسیار اساسی و حائز اهمیت در اسلام است (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴). مرور قرآن و روایات اسلامی انسان را متوجه اهمیت آن می‌کند و همچنین آثار بزرگان اسلام به‌وضوح نشان می‌دهد که همه اندیشمندان مسلمان نیز به این اصل که اولین رکن از مجموعه مبانی اعتقادی اسلامی به‌شمار می‌آید دقت و توجهی خاص دارند (حلی، بی‌تا، ج ۲: ۷۰). امام خمینی علیه‌السلام نیز ریشه و اصل همه عقاید را اصل توحید می‌داند: «این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۸۸). ازاین‌رو، در دیپلماسی نیز توحید جریان دارد و لازم است در تعامل‌های دیپلماتیک توحید ربوبی به‌عنوان اصل رعایت شود و عبور از آن برخلاف ارزش‌های دینی و ملی شمرده می‌شود.

دیپلماسی: برای کلمه دیپلماسی^۱ معانی فراوانی ذکر شده است که هر یک از آن معانی

1. Diplomacy.

به بخشی از دیپلماسی می‌پردازند؛ اما همه آنها هدف واحد و مشخصی را دنبال می‌کنند و آن هم «به سرانجام رساندن سیاست خارجی» است (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲: ۴)؛ ولی مترادف با سیاست خارجی نخواهد بود؛ زیرا سیاست خارجی جوهره، اهداف و طرز تفکر حاکم بر روابط یک دولت با دیگران است، اما دیپلماسی یکی از ابزارهایی است که برای تحقق آنها به کار می‌رود (ایوانز، ۱۳۸۱: ۲۰۳). بنابراین، دیپلماسی را چنین می‌توان تعریف کرد:

۱. دیپلماسی عبارت است از اداره امور بین‌الملل به وسیله سفیر و دیگر مأموران دیپلماتیک (بابایی، ۱۳۸۳: ۱۶۶)؛

۲. دیپلماسی به علم و هنر نمایندگی کشورها و فن مذاکره یا اداره روابط بین‌الملل به وسیله مذاکره سیاسی و روشی که سفرا و نمایندگان برای اصلاح و اداره این روابط به کار می‌برند اطلاق می‌شود (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

از مجموع این دو تعریف می‌توان نتیجه گرفت که دیپلماسی به معنای عرفی نوعی فن یا هنری است که دیپلمات‌ها جهت تأمین منافع ملی خود در صحنه بین‌الملل از آن استفاده می‌کنند. فن بودن دیپلماسی به این دلیل است که تجربه در آن حائز اهمیت است. در واقع سیاست خارجی که مجموعه دانش و اطلاعات و اصول و مقررات و خط‌مشی‌هایی است که یک کشور برای حرکات برون‌مرزی خود پیش‌بینی می‌کند، جنبه ستادی و سیاسی دارد و دیپلماسی اجرای این سیاست‌هاست و جنبه ستادی آن مربوط به دیپلماسی است (ایزدی، ۱۳۷۷: ۳۹). به عبارت دیگر می‌توان گفت کار اصلی دیپلماسی مذاکره و بحث‌هایی است که برای مشخص ساختن منافع مشترک و حوزه‌های تعارض میان طرفین صورت می‌گیرد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۲۰۳). با بهره‌گیری از دیپلماسی می‌توان از جنگ و درگیری خلاص شد و از راه سازش به اهداف دست یافت (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۷۰).

آنچه تا اینجا در معنای دیپلماسی بیان شد، دیپلماسی عرفی بود؛ زیرا به نقش و دخالت دین در آن اشاره‌ای نشده و درباره آن کاملاً ساکت است. اما در اسلام ناب معنای دیپلماسی فراتر از این است؛ یعنی توأم با ارزش‌های دینی و با محوریت توحید ربوبی

تحقق می‌یابد، که در این مقاله از آن به دیپلماسی توحید یاد می‌شود. از این‌رو، اصل آزادی، اختیار، احترام متقابل، حسن نیت و رعایت ارزش‌های دینی از جمله اصولی هستند که در دیپلماسی توحید رعایت می‌شوند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۷۳). به همین مناسبت در اینجا به رهیافت‌های دیپلماسی اشاره می‌شود.

رهیافت عرفی‌گرا یا سکولار: دیپلماسی عرفی‌گرا یا سکولار به دیپلماسی‌ای اطلاق می‌شود که نقش و دخالت دین در آن شرط نشده است. به عبارت دیگر دیپلماسی عرفی یا سکولار به دیپلماسی‌ای اطلاق می‌گردد که به این جهان تعلق داشته باشد و طبیعی است که از خداوند و الوهیت دور است. دیپلماسی رایج در دنیا نیز از همین نوع است؛ زیرا دیپلماسی متداول جهان به دنبال دولت‌های متبوع خودند نه ملت‌ها و ارزش‌های انسانی. به همین دلیل کارگزاران و دیپلماتی که انتخاب می‌شوند اغلب افراد وابسته به دولت‌ها و کسانی‌اند که تمام هم‌تشان فقط بر پایداری ثبات سیاسی دولتشان است یا درصددند که به نفع دولتشان ملتی را فریب دهند (همان: ۲۷۲-۲۷۳). خاستگاه دیپلماسی عرفی یا سکولار، غرب است (ایزدی، ۱۳۷۷: ۳۷) و هیچ‌سرخیتی میان این نوع دیپلماسی با ارزش‌های دینی و توحیدی وجود ندارد.

رهیافت شریعت‌محور و اسلامی: اسلام با توجه به تشکیل حکومت در عصر رسالت و برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر توانسته است الگویی مناسب از دیپلماسی ارائه کند که بر اساس شریعت اسلام و ارزش‌های انسانی باشد. از این‌رو، دیپلماسی نبی مکرم اسلام ﷺ نوعی فن و هنر بهره‌گیری از همه امکانات مجاز و مشروع جهت تأمین منافع امت واحده اسلامی بوده است. با این اوصاف می‌توان گفت که بسیاری از اقدام‌ها و روش‌هایی که وجود دارند در دیپلماسی سکولار برای جلب سریع منافع مجاز است، اما در دیپلماسی شریعت‌محور به دلیل منع شرعی مجاز نیستند (همان: ۴۲). بنابراین، دیپلماسی شریعت‌گرا و اسلامی را می‌توان از برخورد نبی مکرم اسلام ﷺ با دیگر اقوام و کشورها استنتاج کرد. شیوه دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ، شیوه واقع‌بینانه مبتنی بر ارزش‌های انسانی و الهی بوده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۷۲). بیشتر برخورد و رابطه سیاسی نبی مکرم

اسلام ﷺ با اقوام و ملت‌ها همراه با موفقیت بود که غالبشان با اسلام آوردن آنها خاتمه می‌یافت. راز این مطلب آن است که پیامبر ﷺ در دیپلماسی هیچ‌گاه از فریب، نفاق و خصلت‌های ضدارزش استفاده نمی‌کردند و همچنین هیچ‌گاه فریب وعده‌های دیگران را نمی‌خوردند. دیپلماسی پیامبر ﷺ بر اساس تحقق بخشیدن هدف‌های اصلی مکتب اسلام بوده است (همان: ۲۷۴-۲۷۵).

شریعت مقدس اسلام افزون بر دیپلماسی در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل از دیپلماسی در حوزه تبلیغ دین نیز برخوردار است و آن را از برخی آیات قرآن می‌توان استنتاج کرد. به‌عنوان مثال خداوند در قرآن به پیامبر ﷺ خطاب می‌کند که به مبلغان دین اسلام، که مانند دیپلمات‌های سیاسی‌اند، آموزش دهد تا با اخلاق، منطق و برهان با مردم برخورد کنند و آنان را با دین آشنا سازند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما.» خداوند با این آیه شریفه روش مذاکره و دیپلماسی را به متکلمان و مدافعان دین آموزش داد تا با انجام دادن آن از دین خود دفاع کنند تا از جنگ و خون‌ریزی مذهبی و فرقه‌ای جلوگیری شود.

پیشینه‌شناسی

درباره پیشینه این بحث تحقیقات مفصلی صورت پذیرفته است، اما تحقیق مستقلی اعم از کتاب، پایان‌نامه یا مقاله راجع به دیپلماسی توحید یافت نشده و کسی به آن نپرداخته است. اگرچه کتاب‌ها و مقالاتی مرتبط و مشابه با این تحقیق نگاشته شدند که نویسنده از آنها بهره برده است، این کتاب‌ها و مقالات از پیشینه دور این بحث شمرده می‌شوند که یک نمونه از آنها که به مباحث این مقاله شباهت بیشتری دارد عبارت است از مقاله «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، نوشته عنایت‌الله یزدانی و رؤیا نژادزندی (۱۳۹۲)، که تلاش کرده به دیپلماسی عمومی بپردازد. این مقاله همچنین به مبانی دیپلماسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، اهداف جمهوری اسلامی، تشکیل جامعه واحد جهانی و اصل صدور

انقلاب اسلامی پرداخته، اما به مسئله دیپلماسی توحید اشاره نکرده است و هیچ تحقیقی با عنوان «دیپلماسی توحید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ع)» انجام نپذیرفته است. از این رو، این مقاله درصدد است با تحلیل مفاهیم و داده‌های علمی، عنوان یادشده را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

مبانی دیپلماسی توحید

در این قسمت از بحث به مبانی و زیرساخت‌های دیپلماسی پرداخته می‌شود.

الف) توحید در ولایت: بر اساس توحید ولایی یا توحید در ولایت، سرپرستی و حق حاکمیت در نظام سیاسی اسلام بااصاله متعلق به خدا و سپس متعلق به مأذونان از طرف اوست و سرپرستی و حاکمیت احدی غیر از خدا، برای انسان‌ها منطقی و شرعی نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶: ۱۴). براین اساس می‌توان گفت پذیرش ولایت و حاکمیت قدرت‌های سلطه‌گر در مذاکرات سیاسی، مخالف توحید در ولایت و حاکمیت است. از این رو، دیپلمات‌ها باید در دیپلماسی جمهوری اسلامی توحید در ولایت و حاکمیت را در مذاکرات و معاهده‌ها به کار گیرند و هرگز سرپرستی و سلطه‌گری قدرت‌های سلطه‌گر را نپذیرند. یکی از عناصر فلسفه و راز لزوم کاربست توحید ولایی و حاکمیتی در دیپلماسی جمهوری اسلامی را می‌توان چنین توضیح داد که به دلیل مسلمان بودن ملت جمهوری اسلامی ایران، غیرمسلمان نمی‌تواند ولایت و سرپرستی آنها را به عهده گیرد. این مفاد قاعده معروف «نفی سبیل» است که الهام‌یافته از آیه شریفه قرآن است که می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)؛ هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلمان بر مسلمان قرار نداده است.» امام خمینی (ع) بر اساس این قاعده فقهی مُلْهَم از آیه شریفه یادشده، بر ضد طرح ننگین کاپیتولاسیون استدلال می‌کند و از کلام او چنین برمی‌آید که مفاد این طرح مساوی است با پذیرش ولایت و قضاوت کفار که با توحید در ولایت و حاکمیت همخوانی ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۰۹). امام خمینی (ع) ضمن تأکید بر روابط حسنه دیپلماتیک با دیگر کشورها همواره سفارش می‌کردند: «نباید تحت سلطه خارجی باشیم. نباید آنها دخالت در امور ما

بکنند و نباید به ما خط بدهند» (همان، ج ۱۹: ۴۱۳). کلام امام خمینی ^{علیه السلام} درباره اینکه «... منطق اسلام این است که ... نباید شما تحت سلطه غیر بروید...» (همان، ج ۴: ۹۱) الهام‌یافته از توحید در ولایت و حاکمیت است و این به دیپلمات‌ها و نخبگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌آموزد که در دیپلماسی‌ها مواظب باشند تا ناخواسته تحت ولایت کفار قرار نگیرند. از همین رو امام خمینی ^{علیه السلام} در فراز دیگری می‌فرماید: «ما تحت هیچ قدرتی نیستیم جز خدای تبارک و تعالی» (همان، ج ۱۶: ۴۷۶). این کلام امام مبین توحید در ولایت و حاکمیت است؛

ب) نفی اطاعت از غیر خدا: «اطاعت» از ماده «طوع»، به معنای تسلیم، خضوع، پیروی از امر و فرمان، با میل و رغبت است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۳۰۹). توحید در اطاعت به معنای اطاعت همراه با خضوع و رغبت، فقط در برابر خدا و حکم الهی است؛ زیرا به حکم فطرت و عقل، اطاعت از «حق تعالی» به طور مطلق واجب است؛ به دلیل آنکه خداوند، مالک، رب و خالق انسان‌هاست و جز حق نمی‌گوید و به راه حق علم دارد. لذا تنها او شایسته اطاعت مطلق است و اطاعت از غیر او بدون اذن او جایز نیست؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (اعراف: ۳)؛ آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرفرستاده شده است، پیروی کنید و جز او، از معبودان [دیگر] پیروی نکنید. چه اندک پند می‌گیرید.» با این فرض این پرسش مطرح می‌شود که آیا دیپلمات‌های جمهوری اسلامی به دلیل قدرتمند بودن کشورهای سلطه‌گر مانند امریکا و هم‌پیمانانش، می‌توانند از ارزش‌های خود عدول، و در دیپلماسی از آنها اطاعت کنند؟ پاسخ آن است که بر اساس توحید در اطاعت، انسان فقط باید از خدا یا کسانی که از طرف خدا مأذون هستند اطاعت کند (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۵۸۹). براین اساس، هرگز نباید از معاهده‌ها و کنوانسیون‌هایی اطاعت کرد که از طرف کشورهای سلطه‌گر مانند امریکا تدوین می‌شوند و با مبانی دین اسلام و ارزش‌های اسلامی و با مصالح ملی نظام منافات دارند؛ زیرا آنها با ارزش‌های انسانی در تعارض‌اند؛ چنان‌که امام خمینی ^{علیه السلام} می‌فرماید: «ما معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای

تعالی است؛ همچنان‌که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۸۸)؛

پ) نفی استعانت از غیر خدا: نفی استعانت از غیر خدا به این معناست که انسان از غیر خدا استمداد و کمک نجوید و فقط از خدا کمک بخواهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۲۷). یکی از صریح‌ترین آیات قرآن که انحصار استعانت از خدای متعال را می‌رساند، آیه پنج سوره حمد است که می‌فرماید: «وَإِلَّا كَفَرْنَا لَنَكْفُرَنَّهُ» مقدم شدن ضمیر مفعولی «ایاک» بر فعل، بیان‌کننده انحصار و اختصاص استعانت از خداوند است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۰۱). فلسفه و راز ممنوعیت استعانت از کفار آن است که آنها در ذاتشان از هیچ قدرتی برخوردار نیستند؛ چنان‌که قرآن در توصیف آنان می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (حج: ۷۳).

ای مردم، مثلی زده شد. پس بدان گوش فرادهید: کسانی که جز خدا می‌خوانید، هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند، هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید، نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوان‌اند.

بر اساس آیه شریفه، مگس که نماد ضعف و ناتوانی است و کنایه از کوچک شمردن و تمسخر کافران و منافقان است (شاذلی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۵۰)، به غیر خدا اطلاق شده که شامل استکبار جهانی و سایر دشمنان نیز می‌شود. براین اساس، آنان در عزت‌بخشی و سعادت‌آفرینی همچون مگس ناتوان‌اند. ازاین‌رو، استعانت از آنان به دلیل ضعف حقیقی آنان، هرگز ضامن حل مشکلات جامعه نخواهد بود. دیپلمات‌ها باید توجه داشته باشند که در مذاکراتشان مقهور قدرت طلبی طرف مقابلشان قرار نگیرند و از آنان استمداد مایحتاج پیش‌پا افتاده نکنند. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

با توسل به دامن امریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگ‌ها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید. ابرقدرت‌ها آن لحظه‌ای که

منافعشان اقتضا کند شما را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد و آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۳۲۹).

امام خمینی علیه السلام در مواردی از کسانی که اهل نمازند و جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را چندین بار در شبانه روز تکرار می کنند اما در مقابل هر موجود ظالمی کرنش می کنند و از آنها استمداد می طلبند بیزاری می جویند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۲۳۰). امام در کلامی می فرماید: «ما نباید تحت سلطه امریکا باشیم. نباید امریکا بیاید دانشگاهمان را درست کند؛ امریکا بیاید ارتشمان را درست کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۴۳۱). راز این کلام امام این است که استمدادطلبی و کمک خواستن از دشمن افزون بر اینکه با توحید همخوانی ندارد، با عزت و خودباوری ملت مسلمان و نظام اسلامی نیز سازگار نیست (همان، ج ۷: ۲۴۴-۲۴۶). براین اساس لازم است دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در مذاکراتشان با کشورهای بلاد کفر و سلطه‌گر به جای کمک طلبیدن از آنها، به داشته‌ها و استعداد‌های خود تکیه کنند و به نصرت الهی امیدوار باشند.

ت) توکل و تکیه بر خدا: دیپلماسی توحید از دو منظر قابل بررسی است: منظر اول اینکه تلاش شود در مذاکره با دشمن هنری خرج داده شود تا اصل توحید خدشه‌دار نشود؛ به این معنا که ناخواسته دشمن، ما را تحت ولایت و حاکمیت خود درنیآورد یا اصلی را بر ما تحمیل نکند تا به ناچار از او اطاعت کنیم یا به شکلی مورد تهدید قرار نگیریم که ذلیلانه از او درخواست کمک نماییم؛ اما نگاه دوم این است که در مذاکره تکیه‌گاه و امید دیپلمات‌ها فقط به خدا باشد و مذاکره فقط به عنوان ابزار تلقی شود، نه اینکه همه امیدها به مذاکره و قدرت‌های ظاهری ابر قدرت‌ها باشد. این نکته‌ای است که امام خمینی علیه السلام درباره آن می فرماید: «ما تحت هیچ قدرتی نیستیم جز خدای تبارک و تعالی. این کشور ما که قیام کرد...، از اول اعلام کرد به دنیا که ما نه تحت حمایت امریکا و نه تحت حمایت شوروی و تحت هیچ حمایتی نیستیم» (همان، ج ۱۶: ۴۷۶-۴۷۷). بر اساس نگاه دوم بحث توکل در دیپلماسی مطرح می شود. توکل بدین معناست که انسان علاوه بر آنکه وظایف و تکالیف خود را به درستی انجام می دهد، نتیجه تلاش

خویش را فقط به خداوند واگذار، و بر او توکل می‌کند و به غیر خدا اعتنا ندارد. امام خمینی علیه السلام توکل را واگذاری امر به موجود مورد اعتماد و قطع طمع از مخلوق معنا می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۸۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۱۹۹). از این رو، تنها به خداوند صددرصد می‌توان اعتماد کرد و از همین رو است که امام خمینی علیه السلام توکل را از فروع توحید می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۹۰) و رمز موفقیت در مقابل کفار را نیز توکل و اعتماد به خدا می‌شمارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۲۲۲). قرآن مجید نیز با ذکر صفاتی از خداوند، انسان را به توکل بر او فرامی‌خواند: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ (فرقان: ۵۸)؛ و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد.» بر اساس توحید در توکل، هرگونه تکیه و اعتماد به کافران، آتش عذاب الهی را در پی دارد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَتَّكِبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (هود: ۱۱۳) و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری نخواهید شد.» بنابراین، اعتماد به کفار ستمگر و غفلت از یاری خداوند در دیپلماسی، طغیان است، آن هم طغیانی که آتش حتمی جهنم را در پی دارد و از این عذاب راه گریزی وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳: ۱۵۴). اعتماد و تکیه به کفار، تنها موجب کیفر اخروی نمی‌شود که قرآن کریم به آن تصریح دارد، بلکه موجب خسارت‌های دنیوی نیز می‌شود. برای اثبات این مطلب می‌توان به سرنوشت انسان‌هایی مانند صدام حسین یا کورهایمانی مانند ایران قبل از انقلاب اسلامی که به ابرقدرت‌های ظالم مانند امریکا اعتماد می‌کردند، توجه کرد. بنابراین، با توجه اندک به سرنوشت چنین افراد یا کشورهایی می‌توان دریافت که اعتماد به ابرقدرت‌های سلطه‌گر، جز خسارت چیزی را در پی نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مربوط به «دیپلماسی توحید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. دخالت ارزش‌ها و ایدئولوژی مربوط به هر نظام، در دیپلماسی آن، امری بدیهی است و نظام جمهوری اسلامی نیز از نظام‌های مبتنی بر ارزش‌های توحیدی است و

کار بست آنها در دیپلماسی روابط بین الملل تحت عنوان «دیپلماسی توحید»، امر طبیعی، منطقی و اجتناب ناپذیر است؛

۲. دیپلماسی توحید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به طور طبیعی می تواند عدم پذیرش قوانین و کنوانسیون های منافی ارزش های ملی و اسلامی، عدم اطاعت و تبعیت از خواسته های سلطه جویانه دشمن و رژیم های غیر الهی، نپذیرفتن قوانین غیر الهی و عدم تعهد به قدرت های غیر الهی سلطه گر و مانند آن را در پی داشته باشد و همچنین می تواند الگوی جدید و مناسبی مبتنی بر ارزش های الهی در فن مذاکره با کشورها ارائه کند؛

۳. دیپلماسی مسالمت آمیز اما توحید محور و مبتنی بر ارزش های دینی می تواند افزون بر عزت آفرینی و اقتدار آفرینی در صدور معنوی انقلاب اسلامی در جهان، بدون تنش و مناقشات سیاسی و درگیری مؤثر باشد؛

۴. دیپلماسی نظام ولایی باید طوری شکل گیرد که ارزش های الهی و در رأس آنها توحید مورد خدشه قرار نگیرد و باید توجه داشت که از نگاه اسلام و بر اساس دیپلماسی توحید، اتکای ذلیلانه مسلمانان به دولت های سلطه جو و کافر و اطاعت از آنان جهت دستیابی به عزت و شوکت دنیوی، نامعقول و غیر منطقی تلقی می شود و با اصل عزت طلبی اسلامی همخوانی ندارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۴۰۳ق). معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین.
ابن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد (۴۱۳ق الف). تصحیح الاعتقادات الامامیه، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

_____ (۴۱۳ق ب). اوائل المقالات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

آشوری، داریوش (۱۳۸۱). دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید.

آقابخشی، علی و مینو افشاری داده (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.

آلادپوش، علی و علیرضا توتونچیان (۱۳۷۲). دیپلمات و دیپلماسی، تهران، وزارت امور خارجه. ایزدی، بیژن (۱۳۷۷). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، دفتر تبلیغات اسلامی. ایوانز، گراهام و جفری نونام (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، تهران، میزان.

بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳). فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، وزارت امور خارجه. پلینو، جک سی. (۱۳۸۹). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پستا، تهران، فرهنگ معاصر. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۸). المفردات فی غرائب القرآن، قم، مرتضوی. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ج ۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ج ۱، ۳ و ۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ج ۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ج ۵. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹). فقه سیاسی حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران، سمت. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین، قم، دار الهمجره، ج ۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲)(۱۳۷۸). آداب الصلاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

_____ (۱۳۹۲)(۱۳۸۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

_____ (۱۳۹۲)(۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷-۱۹ و ۲۱.

_____ (۱۳۹۲). تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام. یزدانی، عنایت‌الله و رؤیا نژادزندیه (تابستان ۱۳۹۲). «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، س ۲، ش ۷.